



کمیته هدایت و نظارت

سلسله بحث‌های

# کارگروه مطالعات آموزش عالی در دوران کرونا و پسا کرونا

اقتصاد آموزش عالی ،  
دنیای در حال دگرگونی و ویروس  
کووید ۱۹

تهیه کننده :

حسین راغفر  
استاد دانشگاه الزهراء

طرح

ارتقاء ه  
دانشگاه و ه  
واحد پژوهشی  
برتر کشور  
به تراز  
بین‌المللی

دنیای پسا کرونا پایان جهان آنگونه که آن را می‌شناسیم خواهد بود دنیای متفاوتی که در آن هر چه امروز سخت و محکم به نظر می‌رسد ذوب می‌شود و در قالب نوظهوری شکل خواهد گرفت.

مناسبات اقتصاد جهانی دگرگون خواهد شد که تغییرات شگرفی بر حوزه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی ایجاد خواهند کرد که پیامد های روانشناختی آن بی سابقه خواهد بود.

نظام جهانی بدون کرونا هم در حال دگرگونی بود اما ویروس کرونا شتابگر تحولات در حال وقوع دنیای در حال دگرگونی بوده است.

دنیای پیشاکرنا در مسیر خروج از تعادل و رسیدن به نقطه انشقاق و زایش نظام تاریخی متفاوتی از دل نظام کنونی بوده است. کرونا قابله ای است که به این زایش شتاب بخشید.

ویژگی بسیار مهم این گذار این است که- برخلاف دوران تحول عادی که نهاده های بزرگ ستانده های اندک می‌دهند- در آن نهاده های اندک ستانده بزرگ می‌دهند و اینکه ستانده های چنین انشقاقی ذاتا نامتعیین هستند.

ویژگی دنیای در حال تحولی که می‌توان بر آن با اطمینان تاکید کرد این است که این دوره گذار دوره دهشتناک مملو از آشفتگی ها خواهد بود، چون جوایز این گذار بسیار بزرگ، محصول آن بسیار نامطمئن، و توانایی نهاده های کم برای اثرگذاری بر نتایج، بسیار بزرگ هستند. این ویژگی ها دنیای دوره گذار را با آشفتگی های بسیار توأم کرده است.

مشخصه های دنیای پسا کرونا چیست؟ آیا ابعاد تحولات آتی درک شده است؟ آیا ما آمادگی حضور عزتمند در دنیای پسا کرونا را داریم؟ الزامات چنین حضوری چیست؟

**مقدمه:**

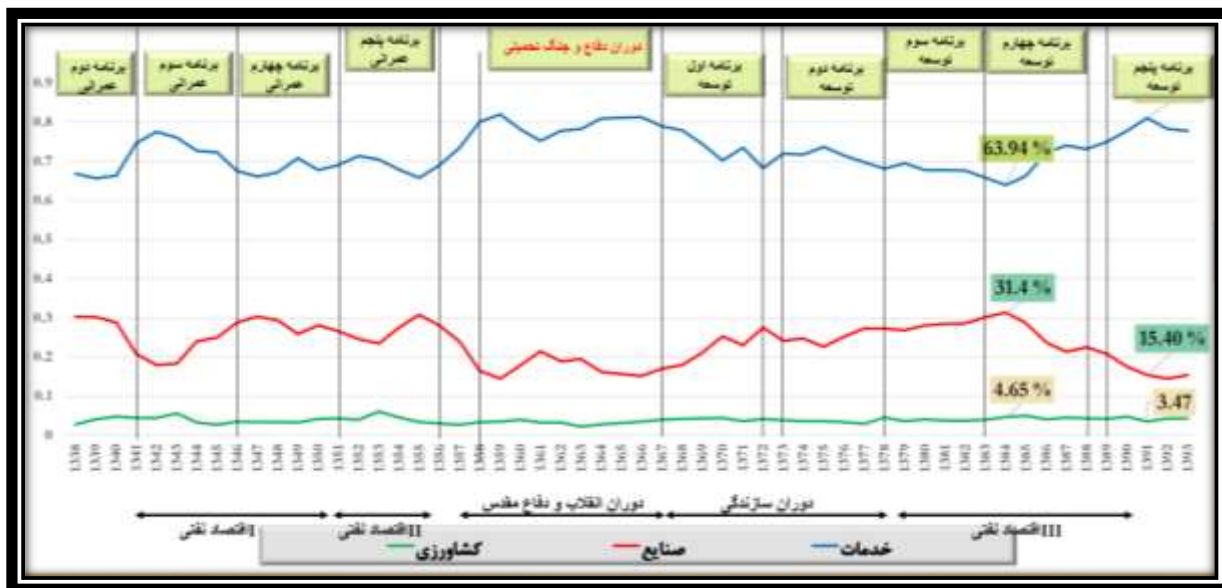
## **علل ساختاری ناکامی های اقتصاد ایران**

بسیاری از علل ناکامی های اقتصاد ایران مزمن و تاریخی هستند. در اینجا برای نمونه به عباراتی از تحقیق یکی از محققین دانشگاه هاروارد از کارکرد های اقتصاد ایران اشاره می‌شود که در سال ۱۳۳۸ تدوین شده است.

در این اواخر به ویژه با تغییر الگوهای مصرفی، دارایی های کلانی از محل واردات و مستغلات انباشته شده است. ایرانیان بخشی از درآمدهای خود را به دارایی های وارداتی تجملی، ساخت ویلاها، خرید و فروش زمین و سفرهای اروپایی اختصاص می‌دهند. مستغلات که واجد تاریخی مملو از تجربیات موفقیت آمیز است، بر سرمایه‌گذاری صنعتی برتری دارد، و سرمایه‌گذاری در حوزه مستغلات و زمین در مقایسه با سرمایه‌گذاری صنعتی از بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، آسیب به مراتب کمتری دیده است. اغلب گفته شده که «زمین» و «سفته» یا به عبارتی رباخواری، اصلی‌ترین جذب‌کننده‌های سرمایه در ایران هستند.

## ریچارد الیوت پندیک - تامین مالی صنعتی در ایران ۱۳۹۴/۱۹۶۴

وضعیت سهم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص فعالیت‌های اقتصادی از کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور  
به قیمت جاری (۱۳۹۳-۱۳۳۸)



۱. اقتصاد ایران به شدت وابسته به درآمد های صادراتی منابع طبیعی و بنابراین متاثر از مناسبات تجارت بین‌الملل است که با چهار دهه تحریم های اقتصادی روبرو بوده است
۲. تحریم ها محدودیت های جدی برای دسترسی متعارف به بازار های جهانی در مقابل اقتصاد ایران قرار داده است که برای مقابله با این محدودیت ها سیاست های نامناسبی اتخاذ شده است که پیامد های گسترده بعدی مشکلات را پیچیده تر کرده است. از جمله این پیامد ها بی‌ثبات سازی اقتصاد کلان بوده است که بدنبال آن بی‌ثبات سازی های اجتماعی و سیاسی پدید آمده است.
۳. گسترش نابسامانی ها و پیامد های متعدد آسیب های اجتماعی ناشی از آن همچون رشد نابرابری های اقتصادی- اجتماعی، فقر، فساد، اعتیاد، جرم و جرائم، خشونت، طلاق، کودک کار، تن‌فروشی، خودکشی، مهاجرت های گسترده، فرار مغزها و سرمایه را می‌توان برشمرد.
۴. اقتصاد نامولد، برون‌زا و درون‌گرا و متکی به منابع نفت و گاز و معادن و صنایع بزرگ بالادستی دولتی و شبه‌دولتی ایران با درآمدهای ارزی متکی به صادرات مواد خام و اولیه، از دیر باز دچار مشکلات و چالش‌های متعدد و متنوعی بوده که با بروز تحریم‌ها و امروز با ظهور ویروس همه‌گیر کووید-۱۹ شدت یافته و ابعاد و جوانب جدیدی پیدا کرده است.
۵. اقتصاد داخلی دچار عارضه های تاریخی سلطه سرمایه های تجاری است که در دورانی- از جمله از اوائل دهه ۱۳۵۰ و نیز اوائل دهه ۱۳۸۰ تاکنون (۱۳۹۹)- با سرمایه های مالی همراه شده است. به عبارت بهتر این منویات صاحبان سرمایه

- های تجاری- مالی بوده است که دستور کار نظام تصمیم‌گیری های اساسی را تشکیل داده است و به این ترتیب حکمرانی اقتصادی به تسخیر صاحبان این سرمایه ها درآمده است.
۶. در این اقتصاد بازدهی فعالیت های نامولد همچون خرید و فروش زمین و مستغلات، سکه و ارز، و اخیرا بازار سهام به مراتب بیش از بازدهی سرمایه‌گذاری های تولیدی و صنعتی بوده است.
۷. در این شرایط تامین مالی بهینه دولت و تامین و بهینه‌سازی نیازهای ارزی، مقابله با نااطمینانی ها و بی‌ثباتی اقتصاد کلان از اولویت و اهمیت خاصی برخوردار است.
۸. هم اکنون که کشور تحت شرایط بحرانی تحریم‌ها قرار گرفته است و بخش‌های نفت و گاز و صنایع بزرگ دولتی یا شبه-دولتی تحریم شده یا در مخاطره تحریم‌ها واقع شده‌اند، بکارگیری ظرفیت‌های مردمی و بخش خصوصی اهمیت به مراتب بیشتری در تاب‌آوری و مقابله با چالش‌های پیش روی اقتصاد ایران پیدا کرده‌اند.
۹. تاریخ توسعه اقتصادی در جهان نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی مستمر تنها با اتکاء به پیشرفت مداوم علمی و فناوری امکانپذیر بوده و به این وسیله تقویت می‌شود.
۱۰. شالوده ضعیف سیاست های توسعه علمی و فناوری و راهبرد های توسعه، فقدان تشکیلات سازمانی قدرتمند و نارسایی های نظام های تحقیق و توسعه نیروی انسانی محدود و توزیع ناهماهنگ آن، فقدان راه های مناسب و هموار جهت تهیه وسایل تحقیق و گردش اطلاعات از مهمترین مشکلات توسعه علمی و فناوری کشور بوده است.
۱۱. سیاست های اقتصادی بازار آزاد که بیش از سه دهه بر اقتصاد کشور حاکم شده است با تضعیف مکرر ارزش پول ملی موجب رشد شدید تورم و رکود اقتصادی و بنابراین افزایش بیکاری مزمن شدند که افزایش بی‌سابقه نابرابری بخش قابل توجهی از جمعیت کشور را با مشکلات معیشتی و تامین نیاز های اساسی مواجه ساختند.
۱۲. این مساله موجب افزایش شدید آسیب‌پذیری جمعیت کثیری از آحاد جامعه در مقابل تکانه های مختلف از جمله بیماری همه‌گیر کرونا با هزینه های درمان غیرقابل تصور شد. بسیاری از مشاغل از بین رفت و نابرابری شدت گرفت.
۱۳. سیاست های حمایتی بخش عمومی به هیچوجه آسیب های ناشی از مجموعه‌ای از شوک های اقتصادی و بیماری ها را پوشش نمی‌دهد.
۱۴. این سیاست های اقتصادی آسیب‌زا، ترغیب بازار سهام و دستکاری در انتظارات عمومی توسط حکمرانی اقتصادی باعث هجوم به بازار سهام شد.
۱۵. افزایش بی‌سابقه قیمت سهام که بخش قابل توجهی از آن فاقد منطق اقتصادی بود موجب افزایش نقدینگی در بازار فعالیت های سفته بازی و سوداگری و افزایش تورم شد. تورم خود یکی از سازوکار های موثر در توزیع ثروت و افزایش نابرابری و رشد فقر شدید است.
۱۶. تضعیف قدرت خرید خانوار ها به معنای تضعیف قدرت خرید اعضای هیات علمی و کارکنان دانشگاه ها و دانشجویان نیز هست. جمعیت قابل ملاحظه‌ای از دانشجویان قادر به پرداخت شهریه ها که قطعا با افزایش روبرو خواهند شد نخواهند بود.
۱۷. حذف دانشجویان فقط به معنای محروم شدن کشور از استعداد های خود نیست بلکه به معنای سرخوردگی این دسته از جوانان خواهد بود که پیامد های روانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دربر خواهد داشت که به نوبه خود به بی‌ثبات سازی بیشتر اقتصاد کلان و تشدید مهاجرت خواهد شد به ویژه مهاجرت دانش آموختگان و اعضای هیات علمی.
۱۸. دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی بخش خصوصی با مشکلات شدید روبرو هستند و ادامه این وضعیت به تعطیل بسیاری از آنها خواهد انجامید.
۱۹. علیرغم افزایش ۳۰ درصدی حقوق و مزایای اعضای هیات علمی در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸ قدرت خرید آنها حداقل ۶۰ درصد کاهش یافته است.

۲۰. این کاهش قدرت خرید در مورد کارکنان دانشگاه‌ها با شدت بیشتری اتفاق افتاده است و همچنین در مورد میانگین جامعه که خانواده دانشجویان کشور را نیز شامل می‌شود. در این میان قدرت خرید کارکنان قراردادی دانشگاه‌ها- که عمدتاً مشاغل خدماتی دانشگاه‌ها را عهده‌دار هستند- با شدت بیشتری کاهش یافته است.

۲۱. افزایش بی سابقه قیمت ارز و افزایش شدید قیمت کالاها و خدمات به معنای ناتوانی دانشگاه‌ها در تامین، تجهیز و نگهداری آزمایشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و نیازهای پژوهشی- آموزشی است. افزایش هزینه‌های مسافرت موجب تعطیلی فرصت‌های مطالعاتی و شرکت در سمینارها شده است که پیامدهای هولناک آن در سال‌های پیش‌رو مشخص خواهند شد.

### اقتصاد آموزش عالی در بافتار اقتصاد ایران

چهار وظیفه اصلی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور عبارتند از ۱. آموزش؛ ۲. پژوهش، ۳. نوآوری، و ۴. انتقال فرهنگ بین نسلی، از طریق تربیت نیروی انسانی مورد نیاز کشور متناسب با نیازهای جاری و آتی در دنیای پر تحول کنونی.

پرسش‌های جدی در مورد مسئولیت‌های سنگین آموزش عالی و اعضای هیات علمی مطرح می‌کنند. پرسش نخست اینکه مأموریت دانشگاه‌ها در ایران چیست؟ دوم اینکه برای کجا فعالیت می‌کند؟ سوم اینکه چه چیزی تولید می‌کند؟ چهارم اینکه به چه میزانی تولید می‌کند؟ پنجم اینکه چگونه تولید می‌کند؟ ششم الزامات تحقق چنین اهدافی چیست؟ آموزش عالی باید در قبال تلاش‌های خود از نظام تصمیم‌گیری جذب این سرمایه‌های انسانی را مطالبه کند.

اقتصاد دانشگاه‌ها و آموزش عالی خارج از بافتار اقتصاد ایران شکل نمی‌گیرد بنابراین باید انعکاس آنچیزی باشد که بر اقتصاد کشور می‌رود. همزمان مسائل و مشکلات آموزش عالی و دانشگاه‌های کشور نیز تنها در درون آموزش عالی حل نمی‌شوند.

### چالش‌های بازار کار پسا کرونا و مسئولیت‌های دانشگاه

- ۱) یکی از مهمترین چالش‌هایی که جوامع در اثر رشد فناوری با آن روبرو هستند چالش آینده کار است.
- ۲) امروز، ما سوار بر موج جدیدی از نااطمینانی هستیم، زمانی که سرعت نوآوری موجب شتاب بخشیدن اثرات فناوری بر همه بخش‌های زندگی بشر شده است. می‌دانیم که رباط‌ها در حال تسخیر بیش از هزاران کار روزمره هستند و بسیاری از مشاغل با مهارت پایین را در اقتصادهای پیش‌رفته و در حال توسعه حذف خواهند کرد.
- ۳) همزمان، فناوری در حال خلق فرصت‌هایی است، مسیری را برای مشاغل جدید و تغییر یافته می‌پیماید، بهره‌وری را افزایش می‌دهد، و ارائه خدمات عمومی را بهبود می‌بخشد.
- ۴) درک این نکته حائز اهمیت است که بسیاری از کودکانی که امروز در مدارس ابتدایی تحصیل می‌کنند در آینده در مشاغلی کار خواهند کرد که امروز وجود ندارند. به همین دلیل است که تفوق سرمایه انسانی نسبت به راه‌کارهای مواجهه با چالشی که با آن روبرو هستیم کلید فهم ما برای ارائه پاسخ به چالش‌های پیش‌رو است.
- ۵) روزهای اقامت در یک شغل، یا با یک شرکت، دهه‌هاست که رنگ باخته است. در اقتصاد فرفره‌ای (gigs economy) و سریع‌السیر، کارگران احتمالاً مشاغل متعددی را در طول دوره شغلی خود تجربه می‌کنند، که به معنای آن است که باید در تمام طول عمر خود یادگیرنده باشند.
- ۶) نوآوری به شتاب خود ادامه خواهد داد، اما کشورها در حال توسعه نیاز خواهند داشت که اقدامات سریع اتخاذ کنند تا این اطمینان حاصل شود که در اقتصاد آینده قادر خواهند بود رقابت کنند.

۷) به این منظور مقامات سیاستگذار باید بر روی مردم خود با یک احساس اضطرار شدید به ویژه در بخش های سلامت و آموزش سرمایه‌گذاری کنند، که بناکننده های سرمایه انسانی برای مهار مزایای فناوری و گند کردن بدترین انقطاع ها و اختلال ها هستند.

### الزامات سیاستی برون‌رفت از بحران

اما برای اینکه از این تونل گذار به سلامت عبور کنیم و جامعه را در سویه امن دنیای نامطمئن آتی قرار دهیم لازم است نکاتی را در نظر بگیریم که بحران کنونی وجوه آن ها را برجسته و تاکید کرده است.

**نخست** اینکه یکی از نتایج بحران کنونی ویروس جهانی این است که حاکمان در زمان تصمیم‌گیری های عمومی از میان طیف سناریو های ممکن جامعه را مهیای مواجهه با بدترین سناریو ها کنند و آمادگی های لازم را به این منظور فراهم کنند.

**دوم** اینکه در شرایط کنونی گذار نظام جهانی مسئولیت اخلاقی سیاستگذاران برای **عمل کردن عقلانی، با نیت خیر، و با سرعت و قدرت** برای مشارکت در شکل‌گیری یک نظام تاریخی بهتر را بیشتر و بیشتر می‌کند. تجربه‌ای را که بحران کرونا بر آن تاکید ورزید این است که برای دستیابی به یک جامعه بسامان در چشم‌انداز فراروی کشور لازم است دو ویژگی به یک میزان در سیاست های حاکمیت لحاظ شوند: **مساوات‌طلبی و مردم‌سالاری**.

**سوم** اینکه یکی از درس های حکمرانی مناسب را که بحران کرونا بر آن تاکید کرده است این است که مواجهه با بحران های فراگیر بدون **پذیرش و مشارکت همگانی** محکوم به شکست است.

اما این پذیرش و مشارکت، نیازمند اعتماد عمومی به حاکمیت است. مردم نیاز به **اعتماد به علم، مقامات حکومتی، رسانه ها، و تجربه مشارکت** در شکل‌بخشی به سیاست های عمومی دارند.

بجای یک حکومت نظارتی بر وجوه مختلف زندگی فردی آحاد جامعه باید وفاداری به حاکمیت و تبعیت از ارزش های جامعه را در سهیم کردن مردم- به ویژه گروه های پایین و میانه درآمدی- در محصول اجتماعی جستجو کرد.

**چهارم** اینکه انقلاب هوش مصنوعی و فناوری اطلاعات به سرعت تقسیم‌بندی متفاوتی در دنیای پیش‌رو رقم زده است که به نابرابری های بی‌سابقه‌ای شکل خواهد داد که سیطره و سلطه جدیدی در اختیار کشور های دارنده فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی فراهم خواهد کرد. به این ترتیب آینده بسیار ناامید کننده‌ای در انتظار کشور هایی خواهد بود که بی‌توجه به سرمایه های انسانی خود منابع ملی را صرف فعالیت های سوداگری و سفته بازی و مصرف‌گرایی منحط‌کننده اخلاق و فرهنگ کردند و سرمایه های انسانی خود را به کشور های صاحب فناوری صادر کردند.

علاوه بر این کشور های صاحب هوش مصنوعی و فناوری اطلاعات قادر خواهند بود که بر تصمیمات ساکنین کشور های فاقد این فناوری مستقیماً تاثیر گذارند و تصمیمات آحاد این کشور ها محصول اراده آزاد خود آنها و یا حتی نظام اطلاعاتی و هنجار های حاکم بر کشور آنها نخواهد بود.

**پنجمین** درسی که از بحران ویروس جهانی کرونا در جهان می‌توان اخذ کرد اینکه در دنیای جهانی شده کنونی برای حل مشکلات جهانی نیز راه حل های جهانی و **مشارکت و همکاری جهانی** لازم است. این همکاری جهانی وقتی می‌تواند بیشترین ثمربخشی را در درون مرز های کشور ها داشته باشد که **اعتماد مبنی بر رقابت و همکاری بین حکومت و جامعه** شکل گرفته باشد. رقابت جامعه با حکومت از طریق **مهار قدرت حاکمان توسط جامعه** امکان‌پذیر می‌شود؛ و همکاری جامعه با حکومت زمانی محقق می‌شود که حکومت از آزادی مشارکت مردم در حل مسائل جامعه حمایت کند؛ و البته این جامعه باید خود به بلوغ سیاسی کافی برای بسیج ظرفیت های خود به منظور اعمال نظارت بر قدرت حاکمان و ایجاد توازن قدرت با حکومت دست یافته باشد. چنین جامعه‌ای تنها از طریق رشد آگاهی های عمومی و مشارکت در امور سیاسی امکان‌پذیر می‌شود.

ششمین درسی را که بحران کرونا بیش از پیش آشکار ساخت، **فروماندگی شیوه حکمرانی حاکم بر جهان** در چهار دهه گذشته و حاکم بر کشور ما در سه دهه گذشته است. اینکه نباید نقش دولت را تنها به پاسداری از منافع صاحبان سرمایه تقلیل داد و نه اینکه از نهاد های آموزشی - نظام های آموزش و پرورش و آموزش عالی و رسانه ها - برای کنترل جامعه و پذیرش بندگی خودخواسته عموم مردم استفاده کرد. حکومت ها بدون مشارکت مردمی برای حل مسائل داخلی و جهانی، ناتوان از ایفای نقش اصلی خود - که کنترل خشونت و برقراری نظم است و شرط لازم برای توسعه همه جانبه است - خواهند بود.

### سرمایه انسانی و نیاز های آن در دنیای در حال تحول

پیامد های غفلت از سرمایه گذاری امروز در سرمایه انسانی را باید بر حسب بهره‌وری از دست رفته نسل نیروی کار آینده اندازه - گیری کرد. دهه ۱۳۹۰ را، بخاطر اینکه میزان سرمایه گذاری ها جبران استهلاک سرمایه را هم نمی‌کرد، باید دهه مفقوده در اقتصاد ایران نامید. در کشور هایی با پایین ترین سرمایه گذاری های امروز بر روی سرمایه انسانی، تحلیل ها نشان می‌دهند که نیروی کار آینده فقط یک سوم تا یک دوم آنچه می‌توانست مولد باشد، مولد خواهد بود مشروط به اینکه مردم از سلامت کامل برخوردار باشند و آموزش با کیفیت بالا دریافت کنند.

سرمایه گذاری در سرمایه انسانی تنها یک نگرانی برای وزرای سلامت و آموزش نیست؛ این سرمایه گذاری باید اولویت نخست روسای دولت ها و وزرای اقتصاد باشد. پروژه سرمایه انسانی شواهد دقیقی در مقابل تصمیم گیران قرار می‌دهد که نادیده گرفتن آن را بسیار مشکل می‌کند.

سرمایه گذاری در سرمایه انسانی اولویت تحقق اغلب این فرصت های اقتصادی است. بسیاری از مشاغل امروزی، و بسیار بیشتر در آینده نزدیک، مستلزم مهارت های خاص خواهند بود، ترکیبی از دانش فنی فناورانه، حل کننده مساله، و تفکر انتقادی و نیز مهارت های نرم هستند.

علاوه بر مهارت های فنی نیازمند چهار نوع مهارت هستیم که اهمیت فزاینده ای برای حفظ سرمایه های انسانی در داخل و نیز بازار های کار آینده دارند: ۱. مهارت های پیشرفته شناختی (cognitive) همچون حل مسائل پیچیده، ۲. مهارت های اجتماعی - رفتاری (sociobehavioral) همچون پشتکار، همکاری و کارگروهمی، همدلی، و سخت کوشی ۳. ترکیب های مهارتی ای که پیش بینی کننده انطباق پذیری (adapatability) همچون استدلال کردن و کارآمد کردن خود (self-efficacy) هستند. و ۴. مهارت عشق ورزیدن، عشق به هم نوع، عشق به طبیعت و عشق به وطن و هم وطن. ایجاد علقه های ملی و دینی و اخلاقی از طریق توسعه مواد درسی ادبیات فارسی - به ویژه ادبیات کلاسیک - و تاریخ ایران - و به ویژه تاریخ معاصر - امکان پذیر می‌شود؛ ساختن این مهارت ها مستلزم بنیان های قدرتمند سرمایه انسانی و یادگیری در طول عمر هستند. به این ترتیب بنیان های سرمایه انسانی، که در دوره کودکی ایجاد می‌شوند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. اما دولت ها به رشد مراحل اولیه کودک اولویتی نمی‌دهند، و برونداد های سرمایه انسانی مبتنی بر آموزش و پرورش پایه بسیار نازلتری از سطح بهینه استوار هستند.

### الزامات مواجهه با بحران کووید ۱۹

ابطال این ادعا که " ۷۰ درصد جمعیت کشور ناگزیر مبتلا به بیماری کرونا خواهند شد پس قرنطینه مراکز شیوع و آسیب خورده بی اثر است " را باید در عملکرد موفق کشوری هایی همچون کره جنوبی، هنگ کنگ، تایوان و سنگاپور مشاهده کرد.

اصلی ترین دلیل موفقیت این کشور ها را باید در عملکرد **نظام حکمرانی** آنها، **سرمایه گذاری مناسب در بخش سلامت، واکنش سریع به بحران، و اعتماد عمومی** به نظام تصمیم گیری خلاصه کرد.

نکته قابل توجه دیگر اینکه این کشور ها به هر دو دلیل حداقل کردن آسیب های اقتصادی و نیز کاهش آسیب های انسانی مبادرت به اجرای قرنطینه کردند و همین دو دلیل علت تمهیدات سخت در سایر کشور های غربی همچون فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و

آلمان بوده است. دلیل اجرای این تصمیمات سخت برای کوتاه کردن دوره آسیب ها و پیشگیری از طولانی شدن حضور بحران بوده است.

سردرگمی و نگرانی سیاستگذاران در داخل کشور در اجرای قرنطینه را باید در پیامد های چنین تصمیمی جستجو کرد. قرنطینه جامعه برای کنترل آسیب های ویروس کرونا، مطالبه قرنطینه جامعه برای کنترل آسیب های ویروس نئولیبرالیسم را در پی دارد. امروز نتایج سه دهه خصوصی سازی، آزادسازی، مقررات زدایی، دستکاری در قیمت های ارز و حامل های انرژی، و واگذاری فرصت های انحصاری و شبه انحصاری به نورچشمی ها و نیز انتقال منابع عمومی، ارزی و اعتبارات بانکی در کیسه اقوام و خویشاوندان و همپالکی های حزبی به بارنشسته و جامعه در باتلاق پیامد های این سیاست ها گرفتار آمده است.

سه دهه تلاش برای تقلیل مسئولیت های اجتماعی دولت در حوزه سلامت، آموزش، مسکن، و پیامد های خانمان برانداز این سیاست هاست که امروز جامعه با محدودیت های گسترده در مواجهه با بحران همه گیر ویروس کرونا و ناگزیر از پرداخت تاوان این سیاست ها به صورت هزینه های جانی خادمین سلامت و هزاران نفر از مردم، و هزینه های اقتصادی تحمیل شده به کشور و به ویژه قربانیان اصلی ویروس نئولیبرالیسم اقتصادی شده است.

### روش های تامین مالی مواجهه با بحران ویروس کووید ۱۹

سرعت و طول دوره بهبود و اقتصادی کووید ۱۹ بستگی به این دارد که چگونه دولت ها برنامه های مدیریت رویداد های اضطراری را تامین مالی خواهند کرد.

تاثیر اقتصادی بحران کووید ۱۹ را می توان به دو قسمت تقسیم کرد. قسمت نخست، اقدامات کنترل کننده موجب کاهش بی سابقه در فعالیت های اقتصادی تقریباً در همه دنیا شد، مقیاس و طول دوره این تاثیر بستگی به اثربخشی سیاست های دولت دارد. قسمت دوم تاثیر اقتصادی که در پی قسمت نخست می آید، ترمیم و بهبود اقتصادی پس از فوریت های پزشکی است. سرعت و طول دوره بهبودی تنها بستگی به تامین مالی اقدامات فوریت های مقابله نیز دارد. این نحوه تامین مالی ساختار های بدهی را خلق خواهند کرد که اقتصاد باید آن ها را بازپرداخت کند و بنابراین فعالیت های اقتصادی در آینده را محدود خواهند کرد. مخارج دولت در ایران علیرغم مقدار ناچیز آن با توجه به مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم ها و سیاست های غلط سه دهه گذشته به شدت کاهش یافته است و علیرغم این ادعا که دولت در ایران بزرگ است بودجه بخش عمومی در سال ۱۳۹۹ تنها ۱۲ درصد تولید ناخالص ملی است که پایین ترین سطح آن در مقایسه با همه کشورهای صنعتی و تعداد زیادی از کشورهای توسعه یافته است. لازم به ذکر است این نسبت در انگلستان - بازترین اقتصاد در کشورهای اروپایی - ۳۵ درصد و در کشورهای OECD، ۳۶ درصد است. مخارج نظام سلامت و نظام آموزشی کشور نیز به شدت سقوط کرده اند.

اخذ مالیات باید نخستین منبع تامین مالی هزینه های آموزش و بهداشت در کشور باشد. نخستین منبع مالیاتی مالیات بر فعالیت های نامولد و مخرب اقتصاد مولد در کشور است. مالیات بر عواید حاصل از سرمایه - مالیات بر سوداگری زمین و مستغلات، بر فعالیت های سفته بازی خرید و فروش سکه و ارز و بازار سهام. مالیات بر واردات کالا های لوکس و تخصیص آن به بخش های تحقیق و توسعه، مالیات حاصل از صادرات کالا های معدنی و محصولات کشاورزی و انتقال این درآمد ها به تحقیقات در حوزه های پایین دستی این صنایع با هدف ایجاد ارزش افزوده و اشتغال در داخل کشور؛ مالیات بر کربن و ایجاد آلودگی توسط صنایع، خانوار ها و خودرو ها و حمایت از تحقیقات در مباحث محیط زیست از جمله اقدامات دیگری است که می توان انجام داد. محاسبات نشان می دهند که حداقل ۷۵۰ هزار میلیارد تومان ظرفیت اخذ مالیات سهل الوصول وجود دارد که ۵۰ درصد بیش از بودجه عمومی کشور است.